

## نمایش مسخره

فواد عبداللہی



معاون قوه قضاییه در آستانه سالگرد خیزش سراسری مردم ایران تهدید کرده است که: «مردم فریب بخورند با قاطعیت برخورد می‌کنیم. دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، تمامی این تحرکات را تحت نظر دارند و در صورت مشاهده عده‌ای قلیل که بخواهند به هر بهانه‌ای، در روزهای آتی ساختارشکنی کرده و به خیابان‌ها بریزند و مشکلاتی را برای نظام ایجاد کنند، آنان را شناسایی کرده و تحویل دستگاه قضائی خواهند داد.»

ما که فروری رژی پهلوی در تاریخ آن مملکت را دیده و شنیده‌ایم، می‌دانیم که عقب‌نشینی‌های روزهای آخر چگونه اتفاق می‌افتد. وقتی وزیر کشور اعلام می‌کند که «باید از قم به عنوان کانون قدرت جمهوری اسلامی محافظت کنیم»، یعنی این که بهترین سنگر ایدئولوژی این نظام تخلیه شده است. وقتی نماینده مجلس درباره «زمین گیر شدن» نظام هشدار می‌دهد و از آن فاصله می‌گیرد مانند تصرف کاخ زمستانی تزار در اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه است. وقتی جناب رئیس جمهور از «خستگی و بی‌حوصلگی برخی افراد» سخن می‌گوید به این معنی است که ایشان نگران است که آن نیروهای خودی سابقا سلحشور و امروز سپاهی و بسیجی ریغو، یکی یکی از ترس خشم و انزجار مردم از میدان بدر بروند و نظام اسلامی را بدون سپر با مردم آماده قیام، تنها بگذارند. هارت و پورتهای امروز سران و کاربه‌دستان حکومت اسلامی چیزی نیست جز عقب‌نشینی سنگر به سنگر نظام! مردم هوشیار و آزادی‌خواه ایران قدم به قدم این سنگرها را به کنترل خود در آورده‌اند.

مانند روز روشن است که چماقداران جمهوری اسلامی، عرصه را تنگ یافته‌اند. از بیت رهبری و مجلس خبرگان تا مجمع تشخیص مصلحت نظام، از شورای نگهبان تا انگل‌های سپاه و پس‌مانده‌های بسیج که تنها هتشان تهدیدات توخالی و «بزن در رو» است، فاقد مقاومت در برابر توفان مردمی هستند که در خیزش پارسال ضربات مهلکی را به حاکمیت وارد کرد. مانند روز روشن است که این نظام زن‌ستیز در مقابل جنبش میلیونی رهایی زن در ایران تاپ یک روز مقاومت ندارد. مانند روز روشن است که این نظام دله‌دزد که سپرده‌های بانکی‌اش در بانک‌های اروپا و آمریکا خوابیده است، نمی‌خواهد حقوق کارگر و بازنشسته و معلم و بیکار را به زبان خوش پرداخت کند. هیچ مردمی را نمی‌توان واداشت که با «صدقه» زندگی کنند. مانند روز روشن است که نظامی که حوزه عقیدتی‌اش در محدوده اسلام و بند تنبانش است نمی‌تواند آزادی بیان و عمل مخالف را تحمل کند. مانند روز روشن است که نظام اسلامی وصله ناجوری بر پیکر جامعه ایران است و در کمین مردم گرفتار شده است. ... صفحه ۲

## غلبه بر فقر! کدام راه حل؟

امان کنا



در جلسه اخیر هیئت دولت، رئیسی، تمرکز بر بهبود وضع معیشتی مردم را از اولویت‌های اصلی مجموعه اقدامات و فعالیت‌های دولت دانست. در زمانیکه آمارهای رسمی اخیر خود همین حکومت، از رشد روزافزون فقر و سقوط زندگی هر چه وسیعتر مردم را گزارش کرده‌اند. گزارش‌هایی که حاکی از نه تنها گسترش فقر نسبی، بلکه افزایش فقر مطلق، و زندگی حداقل یک سوم جامعه را در زیر خط فقر رسمی اعلام شده خود همین حکومت است.

بر خلاف ادعای دولت که با گشایش روابط دیپلماتیک، عضویت ایران در نهادهایی چون بریکس و دیگر همکاری‌های اخیر، امکان گردش سرمایه در ایران بهبود پیدا می‌کند. راهی که پیمودن آن، ایران امکان دور زدن از تحریم‌های آمریکا و غرب را پیدا می‌کند و همراه با آن، از قرار سرمایه داری ایران رونق یافته و دیگر فقر و بدبختی از ایران بخت خواهد بست. اما این افاضات اگر سیاه کردن صفحات جراید داخلی را ممکن می‌کند، برای مردم و جامعه ایران این تبلیغات بسیار رنگ باخته تر از آن است که کسی به آن وقعی بگذارد.

سوال اما این است که آیا اگر جمهوری اسلامی سقوط کند و دولت مردمی و حکومت مردم بر مردم برقرار شود، آیا مشکل فقر همچنان گریبانگیر جامعه نخواهد بود؟ آیا مثل همین رژیم و طرح‌های دیگر آلترناتیوهای بورژوازی، با در هم ریختگی و بحران پایه ای در اقتصاد ایران، باز هم مدت زمان طولانی برای چاره اندیشی در مورد زندگی مردم و امکانات دسترسی به یک زندگی انسانی لازم نخواهد بود؟ پاسخ به این سوال مسلماً از جانب بورژوازی، چه در قدرت و چه در اپوزیسیون، مثبت است چون مسئله فقر و نابرابری در ایران، نه زائیده مدیریت «تالیق»، و نه فساد وسیع و غیره در جمهوری اسلامی است. گرچه همه این‌ها در میزان و عمق فقر جاری سهم به سزایی دارند، اما برای بخش اکثریت بالایی از مردم در ایران، مسلم است که مشکل فقر حل شدنی است و راه حل آن در سرنگون کردن نظامی است که از این فقر و نابرابری نفع می‌برد. ... صفحه ۲

## دیر شده است؛ دیگه تمومه ماجرا!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

در آستانه سالگرد خیزش سراسری مردم ایران به دنبال قتل مهسا امینی در شهریورماه ۱۴۰۱، حاکمیت تلاش میکنند که به هر شکل ممکن فضای جامعه را امنیتی کند. تلاشی عبث برای سد کردن ابراز وجود دوباره اعتراضات توده ای که پارسال در همین روزها اتفاق افتاد و زمین را زیر پای نظام اسلامی به لرزه درآورد.

دانشگاه‌ها در این مدت یکی از کانون‌های سازماندهی اعتراضات رادیکال، آزادخواهانه و برابری طلبانه علیه جمهوری بوده است. اخیراً فشارها به بهانه سالگرد خیزش سراسری پارسال بر فعالین دانشجویی و بازداشت شدگان این خیزش افزایش یافته است. شماری از دانشجویان علامه طباطبایی، دانشگاه بهشتی و تربیت مدرس به نهادهای امنیتی احضار شده‌اند و تاکنون ده‌ها دانشجویان از دانشگاه‌های دیگر ایران، از جمله دانشگاه‌های خواجه نصیر، تهران، امیرکبیر و فردوسی به وزارت اطلاعات احضار و بازجویی شدند. بر اساس گزارش خبرنگار امیرکبیر، روز شنبه ۲۱ مرداد، دست کم ۱۰ دانشجوی دانشگاه امیرکبیر از طریق تماس تلفنی با شماره‌ی خصوصی به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات و دفتر پیگیری حفاظت اطلاعات قوه قضاییه احضار شده‌اند. در همین راستا، شماری از اساتید نیز به بهانه‌های «عمل نکردن به تعهدات علمی»، «کسب نکردن امتیازات قانونی ادامه خدمت» و دیگر بهانه‌های مختلف، نامه «قطع همکاری» از دانشگاه دریافت کرده‌اند.

هر کسی از دور نیم‌نگاهی به تحرکات این رژیم بنادازد فوراً متوجه میشود که ترسیده است و نمیتواند با کشتی سوراخ سوراخ خود جلوی طوفان اعتراضات گسترده و اجتماعی تاپ آورد. طوفان پارسال چنان ضربه سهمگینی به بنیادهای نظام اسلامی زد که دیگر قابل جبران نیست. نعش این نظام در مقابل مردم افتاده است. ... صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

هشتاد میلیون مردم تشنه رفاه و آزادی را می‌توان با زندان و شکنجه و قمه، بیش از این ترسانند. مردم ایران «زنده بگور» نخواهند شد. مدت‌هاست که اقتدار و چماق سرکوب این نظام توسط مردم آزادی‌خواه شکسته شده است؛ تمرکز حکومت اسلامی به هم خورده است. کدام بخش از جامعه معترض را سرکوب کند؟! کدام نشستی را بگیرد؟! دانشگاه‌ها؟ زندان‌ها؟ کارخانه‌ها و پالایشگاه‌ها؟ محلات و خیابان‌های شهرهای ایران؟ این‌ها رفتنی‌اند. به نفس نفس افتاده‌اند. در ایران میلیون‌ها انسان «زنده» زندگی می‌کنند. به پیکار حکومت اسلامی آمده‌اند، به زندان می‌روند و از زندان رها می‌شوند و دست از سر این نظام برمی‌دارند. چون راه دیگری برای رسیدن به آزادی و خوشبختی نیست. مردم ایران در خیزش سراسری پارسال، راه پیروزی خود و غلبه بر اقتدار پوشالی حاکمیت را مزمره کردند. همبستگی، هم‌رنگی، همدلی، همراهی و پشتیبانی از یکدیگر را آموختند. به تعطیل کشاندن مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها و کارخانه‌ها را تجربه کردند. نشان‌های ایدئولوژی حکومت اسلامی را به زیر کشیدند. زنان با سوزاندن روسری‌ها و پرت کردن نشان اسلامی از سر خود، مهم‌ترین نماد اقتدار

حاکمیت را شکستند. دور ریختن نماد بردگی زن به معنی شکست مقتضایانه جمهوری اسلامی است. مردم آموختند که چگونه نیروهای رژیم را در نمایش‌های خیابانی خود شناسایی کنند و ساز و برگ آنان را بگیرند. مردم در خیزش پارسال، پایگاه‌های بسیج که چون قارچ‌های انگلی در شهرها و روستاها پراکنده‌اند را به آتش کشیدند. مردمی که توانایی درهم شکستن نظام اسلامی را کسب کرده‌اند، امروز صاحب رهبران و پیشروان خود هستند و به هارت و پورت‌های امروز سران حکومتی گوش می‌دهند. دشمنان نظام اسلامی، مردم ایرانند و نه حکومت‌های غربی که با این نظام زد و بندهای آشکار و نهان دارند. برنامه و اهداف ما میلیون‌ها انسان به مثابه «دشمنان» راستین این نظام هم روشن است. ریشه‌کن کردن جمهوری اسلامی و همه نمودهای آن!

یک نگاه گذرا به دستپاچی که این روزها در بالای جمهوری اسلامی درگرفته است نشان می‌دهد که انقلابی که در جریان است بزرگ‌تر از آن است که تصورش را کرده باشند. به سر تیتراژ اخبار ایران که نگاه می‌کنید، می‌بینید که چگونه همه کاره‌دستان نظام توی سر هم می‌زنند. دیگر سنگ روی سنگ در این نظام بند نیست.

در این میان، فشار به دانشجویان و اساتید برابری طلب و آزادیخواه که جز به رفتن این نظام و برپایی جامعه ای مرفه، برابر و آزاد، به چیز دیگری قائل نیستند، شوخی بیش نیست. دانشجویانی که به موازات کل جامعه اعلام کرده‌اند «جمهوری اسلامی مرده، باید دفنش کنیم»، دانشگاه‌هایی که امروز پرچم دار آرمانهای چپ و آزادیخواهانه شده‌اند، دانشجویانی که علیه تمام مظاهر اسلامی و دستگاه مذهب قد علم کرده‌اند و پارسال در اولین انقلاب سیاسی جهان در قرن ۲۱ حضور فعال یافته‌اند، و مهم‌تر از همه، در این روند انقلابی و ضد اسلامی پشتیبانی مردم دنیا را از خیزش ۱۴۰۱ دارند را نمیتوان سرکوب کرد. روند مذهب زدایی و انقلاب علیه تمام گوشه زوایای نظام تبعیض و خرافه در ایران مدتهاست که نه فقط در دانشگاه‌ها بلکه در سراسر ایران آغاز شده است. روند رهایی زن از تمام قید و بندها و برابری زن و مرد، ایستگاه سازشی ندارد. این روند در دانشگاه‌ها آئینه تمام نمای جنبش بلفعل و بلقوه ای است که به وسعت ایران برای سرنگونی کامل جمهوری اسلامی در جریان است و می‌جوشد.

دیر شده است. نه فقط جمهوری اسلامی بلکه هر نیرویی که مانع حضور و دخالت سیاسی و اجتماعی این جنبش شود، جارو میشود. محال است نظام اسلامی با مشتت آخوند و سپاهی و بسیجی حریف این جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه به وسعت ایران شود. در جامعه ای که از پارسال حجاب به شکل میلیونی از سر برداشته شده و عمامه پرانی مد روز شده است، در جامعه ای که مناسک عاشورا لگدمال شده است، در جامعه که آلترناتیو «حاکمیت شورایی» به اهتزاز درآمده است و طبقه کارگر وارد گود سیاست شده است، نه فقط جمهوری اسلامی بلکه کل دستگاه دین و مذهب دیر یا زود جارو خواهد شد.

تقلای حاکمیت در سالگرد خیزش سراسری مردم ایران، پوچ و عبث است. ببخود زور می‌زنند. تاریخ به عقب برمیگردد و حریف این جنبش، چه در دانشگاه‌ها و چه در خارج از محیط‌های دانشگاهی همیشود. پیام دانشجویان دانشگاه‌های سراسر ایران در سالگرد خیزش سراسری مردم ایران اینست: ما موجیم! بساط تان را دوشادوش بقیه مردم ایران، متحدانه جمع می‌کنیم! «دیگه توموه ماجرا!»

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۹ اوت ۲۰۲۳

این جنبش در جامعه هشتاد میلیون، از خیزش پارسال تاکنون چنان وارد گود سیاست شده است که توسط هیچ نیرویی قابل حذف و قابل سرکوب نیست.

**با به میدان آمدن قدرت انقلابی زنان، چهارچوب ترک برداشته نظام اسلامی ضدزن در ایران، بسرعت درهم شکست. ایران و جهان، چشم انتظار لحظات پیشروی طغیان مردمی است که خیال فروکش ندارد!**

**جنبش سراسری و مردمی، زن و مرد که کل نظام، از بیت رهبری تا دفتر رئیس جمهور و مجلس و بسیج و سپاه و گله انگلی آخوندها و آیت الله‌ها و ... را نشانه گرفته است، برای بدست گرفتن سرنوشت خود بدست خود، در سراسر ایران به پاخواسته است! متحدین جهانی این جنبش، طبقه کارگر و مردم آزادیخواه، شخصیت‌ها، احزاب و سازمان‌های مترقی و بشردوست در سراسر جهان است. جلب این حمایت و این تحول، نه به قدرت سازمان ملل و دولت‌ها و قدرت‌های حاکم، که مدت‌هاست اعتماد شهروندان تحت حاکمیت شان را از دست داده‌اند، که به قدرت رادیکالیسم عمیق این جنبش ممکن شده است.**

به زدودن جامعه از فقر بلکه پیام آور جامعه ای است که در آن برابری واقعی، امکان دستیابی و استفاده عمومی از کل ثروت و تولید اجتماعی را ممکن می سازد. ثروتی که با کنار گذاشتن تمامی هزینه های دستگاه های عریض و طویل جاسوسی و سرکوب و تحمیق و غیره، و دخالتگری عمومی به مثابه تنها راه موثر برای جلوگیری از فساد و حیف و میل ثروت جامعه، در همین امروز و در همین جامعه ما قابل اجرا است.

تضمین پیروزی برای دستیابی به هر تلاش جدی برای فقر زدایی، برای مبارزه در راه خلاصی از تحمیل عدم دسترسی به یک زندگی درخور انسانی، و برای بهبود دائم زندگی، تنها با برافراشتن پرچم برابری طلبی، تنها با هدف دستیابی به حکومتی کارگری، میسر است. برای این هدف بایستی که متشکل شد. حزب حکمتیست (خط رسمی) برای این هدف مبارزه می کند و از همه مبارزان در این راه می خواهد که به این حزب بپیوندند.

## کارگران کمونیست!

حزب ما، سنگر اتحاد و تشکل

حزب شماست.

حزب را از آن خود کنید!

نظامی که مرتباً نیازمند تعمیق نیاز فروشنندگان نیروی کار به بازاری است که در آن کارگر راهی جز فروش نیروی کار خود برای زنده ماندن نداشته باشد. اگر منطق تولید سود در این نظام و افزایش میزان این سود، تنها با افزایش تولید و کاهش مرتب سهم کارگر از کل تولید اجتماعی است، منطقی که با دم و بازدم خود به فقر نسبی دامن می زند، و برای پایین نگه داشتن این سهم هم نیازمند ارتش ذخیره بیکاران در جامعه است.

اما فقر، علاوه بر این، یکی از ابزارهای اصلی بورژوازی در جلوگیری از اعتراض و از عوامل پیشبرد سرکوب دائم در جامعه است. فقر در واقع زنجیری است که به بورژوازی امکان می دهد تا مشغله روزمره و امکان معاش و تهیه نیازمندی های زندگی را آنچنان گسترش دهد که تفرقه را دامن زند و در یک کلام، سیاست و خواست های واقعی برای یک زندگی انسانی را به درجه دوم و سوم کاهش دهد. تحمیل فقر به این اعتبار یکی از ابزار بسیار موثر بورژوازی، و گاهی موثرتر از دستگاه های نظامی و زندان و شکنجه برای حکومت است.

سیر نزولی و کاهش دایمی فقر، به این ترتیب تنها با سیر پیشروی در برابری و آزادی در جامعه ممکن است. هر اندازه که این سیر پیشروی در جامعه استقرار پیدا کند، هر اندازه که نیازهای مردم جامعه از دست بازار خلاصی پیدا کند، و هر اندازه که تولید اجتماعی از تولید برای سود به سمت تولید بر اساس نیازهای مردم تغییر کند، به همان اندازه از فقر هم جامعه خلاصی پیدا میکند.

جایگزینی این تولید اجتماعی، اما تنها در صورتی ممکن می شود که دولت، این نهاد طبقاتی از دست اقلیت ناچیز گرفته شده و اداره جامعه به دست اکثریتی باشد که نفعی در ادامه این شرایط رقت بار نداشته باشد. نیروی طبقه ای که جز زنجیرهای خود چیزی از دست نمی دهد و تنها این طبقه است که نه تنها قادر

**پرچم رهایی زن، پرچم آینده ای فارغ از تبعیض و نابرابری،**

**پرچم «ما به قدرت خود می توانیم»، در دست جنبش برابری طلبی زنان در ایران است. جنبشی که رهایی و آزادی زن در ایران را به سکویی برای رهایی زن در سراسر جهان تبدیل خواهد کرد.**

**این جنبش مردمی است که برای اولین بار در تاریخ جهان، بنام حق زن، بنام آزادی و برابری، پایه های یک حکومت ضدزن، ضدبشری و استثمارگر را نه تنها به لرزه درآورده است، که آن را به لبه پرتگاه سقوط کشانده است.**

## برابری

برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابر در امکانات مادی در دسترس به ابزاری های ارتقا و شکفتن استعدادهای فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهیم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.

hekmatist.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena